

دو سند دیگر درباره «کتاب المضمون» غزالی

نوشته نصرالله پورجوادی

ژوئیه شگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

در شماره پیشین مجلهٔ معارف (دورهٔ هجدهم، شمارهٔ دوم، مرداد - آبان ۱۳۸۰) مقاله‌ای نوشتم دربارهٔ سه اثر ابو حامد محمد غزالی که در عنوان آنها لفظ «المضمون» به کار رفته است، چه از طرف خود مؤلف و چه از طرف دیگران، و این سه اثر مندرج در مجموعهٔ کهنسالی است که مشتمل بر آثار فلسفی و منطقی است و در اواخر قرن ششم در مراغه کتابت شده است. در آن مقاله، سعی کردم نشان دهم که متنی که از کتاب المضمون به علی غیراهله در مجموعهٔ مراغه آمده است با متن چاپی اثری که به همین نام خوانده و به غزالی نسبت داده شده است کاملاً فرق دارد، و آنچه اصیل است همان متن مندرج در مجموعهٔ فلسفی مراغه است و آنچه به نام کتاب المضمون به علی غیراهله بارها به چاپ رسیده است مجعول است. در ضمن همان مقاله، علت تألیف این اثر مجعول و انتساب آن را به غزالی بیان کردم و گفتم که چون متن

اصیل کتاب المضمون اثری است فلسفی که در واقع همان بخش الهیات در کتاب مقاصد الفلاسفه است، و چون بسیاری از مسلمانان اهل سنت که با فلسفه مخالف بودند نمی خواستند شخصیتی معروف و از نظر ایشان موجه همچون حجّت الاسلام ابو حامد غزالی به عنوان فیلسوف شناخته شود، لذا به جای آن اثر اصیل کتاب دیگری جعل کرده اند که مطالب آن از نظر ایشان با عقاید کلامی اشعریان نزدیک تر باشد.

هنگامی که مقاله مزبور را می نوشتم، گمان می کردم که از متن اصیل کتاب المضمون همان یک نسخه در مجموعه فلسفی مراغه باقی مانده باشد، و هیچ انتظار نداشتم که در ظرف چند ماه بعد با نسخه دیگری از همین متن مواجه شوم. این نسخه جدید در مجموعه ای است خطی که قبلاً متعلق به کتابخانه دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه تهران بوده و هم اکنون در کتابخانه مرکزی دانشگاه، تحت شماره ۹۰-د، نگهداری می شود. مجموعه خطی مزبور به صورت بیاض است و متن مورد نظر ما از ورق ۸۹ آغاز و در ورق ۱۰۹ ختم می شود. کاتب این نسخه محمود بن کرم بن یحیی بن شیخ ابوبکر شبستری است و تاریخ کتابت نسخه در یک جا (برگ ۳۴) سال ۶۹۵ و در جای دیگر (برگ ۴۱) ۶۹۷ ذکر شده است. بنابراین، بیاض مزبور حدود یک سال پس از مجموعه مراغه نوشته شده است.

کتاب المضمون را که در این بیاض آمده است مرحوم محمد تقی دانش پژوه در فهرست نسخه های خطی دانشکده ادبیات معرفی کرده است^۱. دانش پژوه به صرف ضبط نام این اثر اکتفا نکرده، بلکه قدری هم وارد محتوای آن شده و مقدمه آن را نیز خوانده و با نسخه چاپی المضمون مقایسه کرده و به این نتیجه رسیده است که متن نسخه المضمون در این بیاض با متن نسخه چاپی کاملاً متفاوت است. دانش پژوه برای اثبات مدعای خود بخشی از مقدمه های دو متن را نیز نقل و مقایسه کرده است. ادعای دانش پژوه البته درست است. متن المضمون در بیاض دانشکده ادبیات دقیقاً همان متنی است که در مجموعه خطی مراغه وجود دارد. بخشی از مقدمه این اثر را که در برگ ۸۹ آمده است نقل می کنیم تا بتوان آن را با مقدمه مجموعه مراغه مقایسه کرد^۲.

بسملة الحمد لله المبدیء المعید الفعّال لما یرید ذی العرش المجید والبطش الشدید الهادی
صفوة العبید... اما بعد، فلا یخفی أنّ العمر إذا کان لا یتسع لجميع العلوم فالحزم أن تصیر

۱. مجله دانشکده ادبیات دانشگاه تهران، سال ۸، ش ۱ (۱۳۳۹)، ص ۸-۴۲۷.

۲. برای مقدمه این اثر در مجموعه مراغه بنگرید به مقاله «آثار المضمون غزالی در مجموعه فلسفی مراغه»، معارف، دوره هجدهم، ش ۲ (مرداد-آبان ۱۳۸۰)، ص ۱۰.

مجموعه مراغه: تصرف) همتک إلى اشکال (مجموعه مراغه: استکمال) العلم الّذی هو اشرف العلوم و هو علم معرفة الله و علم المعاد لستُ أعنی به الإعتقاد الّذی تلقیه العامی وراثه و تلقفاً و لا بطریق تحریر الکلام و المجادلة فی تحصیل ذلك عن مراوغات الخصوم كما هو غاية المتکلم بل ذلك نوع یقین هو ثمره نور یقذفه الله ...

دانش پژوه گمان کرده است که این اثر در بیاض دانشکده ادبیات مشتمل بر سه رکن است (معرفة الله، صفاته، افعاله) در حالی که چنین نیست. متن نسخه حاضر نیز درست مانند نسخه مراغه مشتمل بر چهار رکن است. رکن اول که درباره معرفت ذات الهی است چنین آغاز می شود:

الرکن الاول فی معرفة [ذات] الله و لوازمه. إعلم أنّ الموجود إمّا ان یتعلّق وجوده بغيره بحيث یلزم من عدم ذلك الغير عدمه اولاً یتعلّق فان یتعلّق سَمیناه ممکناً و إن لم یتعلّق سَمیناه واجباً بذاته فلزم من هذا فی واجب الوجود اتنا عشر امرأ، الاول ...

عبارات فوق دقیقاً با آغاز رکن اول در مجموعه مراغه مطابقت دارد. رکن دوم که درباره صفات است و رکن سوم که درباره افعال است (گ ۱۹۷) و رکن چهارم که در معرفت نفس و معاد است (گ ۱۱۰۲) به همین نحو با مجموعه مراغه منطبق است. در فراغنامه نسخه، نام کتاب و کاتب بدین صورت ذکر شده است: «تم کتاب المضمون به علی غیراهله بمحمدالله و حسن توفیقه علی ید المحتاج إلى هدایة الله محمد بن محمد بن کرم الشبستری» (گ ۱۰۹ ب).

مرحوم دانش پژوه اگرچه متوجه تفاوت متن المضمون در بیاض دانشکده ادبیات با متن چاپی و جعلی المضمون شده است، متوجه یکی بودن آن با متن این اثر در مجموعه مراغه نشده است. همان طور که قبلاً در مورد متن موجود در مجموعه مراغه گفتیم، این اثر در واقع بخش الهیات در کتاب مقاصد الفلاسفه است. وجود متن المضمون در بیاض دانشکده ادبیات دلیل دیگری است بر اصالت این متن و جعلی بودن متن چاپی المضمون. در ضمن نشان می دهد که متن اصیل المضمون تا اواخر قرن هفتم نیز در مجموعه ها کتابت می شده است. بعید نیست که نسخه های خطی دیگر از این متن در مجموعه های دیگر پیدا شود. البته، با توجه به این که ما متن چاپی کتاب المقاصد را در دست داریم، تصحیح این اثر را در دست داشتن همین دو نسخه هم کار آسانی خواهد بود. ولی بررسی نسخه های دیگر این اثر این امکان را به ما می دهد که بفهمیم که نسخه های متن اصیل تا چه زمانی رایج بوده و کتابت می شده و از چه زمانی متن جعلی جای آن را گرفته است.

مسئله فوق ما را واداشت تا در مورد چند نسخه قدیمی دیگر این اثر در مجموعه میکروفیلیمهای دانشگاه تهران بررسی کنیم. یکی از آنها میکروفیلیم شماره ۱۳۰ بود که از مجموعه ایست متعلق به کتابخانه ایاسوفیا (شماره ۴۰۸۱) مشتمل بر یازده اثر مختلف، از جمله کتابهای غزالی به نام مشکوة الانوار، التّفخ والتّسویه والزّوج (یعنی همان اثری که «الأسئلة والأجوبة» یا «المضنون الصّغیر» هم خوانده شده)، المنقذ، رسالة اللدنیة، و بالأخره المضنون به غیراهله^۳. المضنونی که در این مجموعه درج شده است همان متن چاپی است. این اثر در سال ۶۴۸ کتابت شده است.

مجموعه دیگری متعلق به ایاسوفیا هست (شماره ۱۸۱۶) با میکروفیلیم شماره ۲۶۹ که مشتمل بر ۱۲ کتاب از ابو حامد است، از جمله کتاب المضنون به علی غیراهله. آنچه المضنون خوانده شده است نه متن اصیل این اثر است و نه متن جعلی آن، بلکه همان «التّفخ والتّسویه» یا «الأسئلة والأجوبة» است، این مجموعه به خط نسخ یوسف بن فتح الحیامی است و تاریخ ندارد.^۴

سومین میکروفیلیم، به شماره ۴۷۷، از مجموعه خطی جارالله است (شماره ۲۰۷۸) که مشتمل بر هشت اثر است، از جمله مشکوة الانوار و کتاب المضنون. متن کتاب المضنون همان متن جعلی چاپی است. کاتب این اثر شخصی است به نام ابوبکر صدقة بن ابوالقاسم کازرونی. کتاب المضنون را وی در صفر ۶۶۹ در تبریز نوشته است.^۵

بررسی اجمالی فوق نشان می دهد که در مورد متن کتاب المضنون سر درگمی از همان قرن هفتم پدید آمده بوده است. بعضی «التّفخ والتّسویه» را کتاب المضنون به علی غیراهله می پنداشتند، بعضی کتابی را که به همین نام جعل شده بود. تا جایی که من اطلاع دارم قدیم ترین نسخه از متن المضنون جعلی همان مجموعه ایاسوفیاست با میکروفیلیم شماره ۱۳۰، که در سال ۶۴۸ نوشته شده است، یعنی پنجاه و یک سال پس از نسخه مراغه. بنابراین ما فعلاً باید تألیف کتاب المضنون جعلی را نیمه اول قرن هفتم بدانیم. بدیهی است که کسانی که این اثر را به نام غزالی جعل کرده بودند، می خواستند متن اصیل کتاب المضنون را هم از بین ببرند، اگر دستشان می رسید. ولی ناپود کردن این متن اصیل به این سادگی نبود.

۳. بنگرید به: محمدتقی دانش پزوه، فهرست میکروفیلیمهای کتابخانه مرکزی دانشگاه تهران، تهران، ۱۳۴۸، ص ۴۱۳-۴.

۴. همان، ص ۴۴۶. همین اثر در میکروفیلیم شماره ۳۷۲ نیز آمده است (نگاه کنید به فهرست میکروفیلیمها، ص ۴۶۰).

۵. همان، ص ۴۸۸-۹.

بیاض دانشکدهٔ ادبیات نشان می‌دهد که علی‌رغم این کوششها، متن اصیل تا اواخر قرن هفتم هنوز زنده بوده و کتابت می‌شده است.

۲

نسخهٔ کتاب المضمون به علی غیراهله در «مجموعهٔ فلسفی مراغه» قدیم‌ترین نسخهٔ شناخته شده از متن اصیل این اثر غزالی است. اما در کتاب دیگری که چهل و پنج سال پیش از کتابت مجموعهٔ مزبور تألیف شده است نام کتاب المضمون غزالی آمده و به یکی از مطالب آن نیز اشاره شده است. کتاب مزبور شرح نهج البلاغه ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید بیهقی (۵۶۶-۴۹۹ ه. ق.) صاحب تاریخ بیهقی است، به نام معارج نهج البلاغه، اثری که بنا به قول مؤلف در سال ۵۵۲ تألیف شده است.^۶

اشارهٔ ابوالحسن بیهقی به کتاب ابوحامد در ضمن توضیحی است که وی دربارهٔ سخن گفتن پیامبر اکرم (ص) با درخت داده است. در خطبهٔ ۱۹۲ نهج البلاغه، حضرت علی (ع) نقل می‌کند که روزی در محضر پیامبر بود و جمعی از مهتران قریش آمدند و برای اثبات دعوی پیامبر از او معجزه‌ای خواستند و گفتند که از درختی که در آنجا بود بخواهد که با رگ و ریشه از زمین بیرون آید و در برابر او بایستد. و پیامبر نیز با خطابی که با درخت کرد همین را خواست و درخت هم آن را انجام داد. خطاب پیامبر چنین بود:

يا أَيُّهَا الشَّجَرَةُ، إِنْ كُنْتَ تَوَمَّنِينَ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ وَتَعْلَمِينَ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ فَانْقَلِعِي
بُرُوقِكَ حَتَّى تَقْفِي بَيْنَ يَدَيَّ يَا ذَنَ اللَّهِ

ای درخت، اگر به خدا و روز رستاخیز گرویده‌ای و می‌دانی من فرستادهٔ خدایم، با رگ و ریشه از جای برآی و پیش روی من درآی به فرمان خدای.^۷

بیهقی دربارهٔ این معجزه از قول احمد بن محمد الوبری الخوارزمی، متکلم و شارح بعضی از مشکلات نهج البلاغه، توضیح می‌دهد و می‌گوید که پیامبر آن درخت را در موضع افعال الله قرار داد

۶. ظهیرالدین ابوالحسن علی بن زید البیهقی، معارج نهج البلاغه، تصحیح محمدتقی دانش‌پژوه، قم ۱۴۰۹ ق. (از دوست فاضلم آقای حسن انصاری که توجه مرا به مطلب مربوط به غزالی در این کتاب جلب کرد تشکر می‌کنم.)

۷. نهج البلاغه، ترجمهٔ سیدجعفر شهیدی، تهران، ۱۳۶۸، ص ۲۲۳.

و سپس از او خواست که از جا کنده شود، و باز قول دیگری از وبری نقل می‌کند مشعر بر این که خطاب پیامبر در حقیقت با فرشتگانی بود که موکل آن درخت بودند. به عبارت دیگر، درخت خودش گوش شنوا ندارد، بلکه فرشته یا فرشتگانی که موکل آن‌اند می‌توانند خطاب پیامبر را بشنوند و به آن عمل کنند، همچنانکه در روز قیامت وقتی خداوند به جهنم خطاب می‌کند که آیا پر شده‌ای؟ مخاطب خداوند فرشتگانی‌اند که موکل جهنم‌اند. سخن وبری در این مورد چنین است:

المُرَادُ بِهَ الْمَلَائِكَةُ الْمُوَكَّلُونَ بِالشَّجَرَةِ، وَ هَذَا كَقَوْلِهِ تَعَالَى يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي خُطَابِ جَهَنَّمَ: «هَلِّ امْتَلَأْتِ»، وَ الْمُخَاطَبُ مَلَائِكَةُ الْجَهَنَّمَ.

درست در همین جاست که بیهقی به کتاب ابوحامد اشاره می‌کند و می‌نویسد:

و ذكر الامام الغزالي تفاصيل ذلك في كتابه المعنون بـ «المضنون به على غير اهله»^۸

اشاره بیهقی در اینجا به مطلبی است که غزالی در انتهای کتاب المضنون، درباره «اصول المعجزات و الکرامات» داده است. غزالی صورت گرفتن معجزات را ناشی از سه خاصیت می‌داند: یکی خاصیتی که در نفس و جوهر آن است که می‌تواند در هیولای عالم تأثیر بگذارد، مثلاً اگر بخواهد که باران بیارد، باران خواهد بارید، و دوم این که وقتی نفس صفا پیدا کرد، قوه نظری آن می‌تواند با عقل فعال متصل شود و سوم این که وقتی نفس قوی شد قوه متخیله در بیداری به عالم غیب متصل شود. این سه حالت، از نظر غزالی، وقتی در کسی جمع شد، او پیامبر برتر است، چه درجه او بالاترین درجه‌ای است که انسان می‌تواند به آن برسد. «و من اجتمع له الثلاث فهو النبي الافضل، و هذه هي الدرجة القصوى من درجات الانسان»^۹ غزالی سپس توضیح می‌دهد که پیامبران مختلف درجات متفاوت داشتند. بعضی یکی از این خصوصیتها را داشتند و بعضی دو تا را و بعضی هر سه را، به هر حال همه اینها منازل قرب آنان به خداوند و فرشتگان اوست.

توضیحی که غزالی درباره معجزات داده است توضیحی است عقلی، همان‌طور که توضیح وبری جنبه عقلی دارد. به همین جهت است که بیهقی در اینجا به کتاب المضنون اشاره کرده است. جالب توجه اینجاست که در المضنون چایی که متنی است مجعول، تبیینی از معجزات شده است که با تبیین المضنون

۸. معارج نوح البلاغه، ص ۳۶۵.

۹. مجموعه فلسفی مراغه، چاپ عکسی، مرکز نشر دانشگاهی، تهران، ۱۳۸۰، ص ۶۱.

اصیل فرق دارد. از نظر نویسنده کتاب المضمون جعلی، معجزاتی چون سخن گفتن سنگ ریزه در دست حضرت محمد (ص) و تبدیل عصای موسی به اژدها که در عالم محسوس و مادی پدید می آید، معلول علم و حیات و قدرتی است که خداوند در این اشیاء خلق می کند. و این با آنچه بیهقی از قول وبری نقل کرده است مطابقت ندارد. تفکر وبری و بیهقی صبغه ای فلسفی و عقلی دارد. از نظر ایشان درخت با خطاب پیامبر در موضع افعال الله قرار می گیرد و یا فرشته ای که موکل درخت است مخاطب پیامبر واقع می شود، نه این که درخت خودش عقل و قدرت پیدا کند و سخن پیامبر را بشنود و از جایش حرکت کند.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی